

The Secondary Applications of the Tea Houses of Isfahan in the 1320s SH



Abdolmahdi Rajaei¹

Abstract

Teahouses are considered the major gathering places in Eastern societies. These public places have primary and secondary functions. Their primary function is to serve tea, hookah, and coffee, and their secondary functions have been various over the history. Some time over the history, storytelling and Pardeh Khani (citing out of pictures on curtains) have been prevalent in teahouses. Some other late times, gramophones, radios, and televisions were common to be found in the places. More recently, other things like Wi-Fi has attracted customers. This research tried to see what the secondary functions of Isfahan teahouses were in the 1320s AH. In other words, it sought to see what means have been employed in the teahouses to attract customers. Relying on the documents of the National Archives Organization of Iran and applying a descriptive-analytical method and through library resources, this study found that several secondary or unconventional functions for the teahouses, including theater performances, sports acrobatics, the sale and use of opium, the sale of alcoholic beverages, party activities, and trade union activities. Reviewing previous related studies conducted on teahouses over the last decade, this study tried to contribute to the history of teahouses through examining the newly found documents.

Keywords: Isfahan, Teahouse, Theater, Urban Management

1. PhD in Local History University of Isfahan, Isfahan, Iran (m1350323@gmail.com)



کارکردهای فرعی قهوه‌خانه‌های اصفهان در دهه ۱۳۲۰ش

عبدالمهدی رجائی^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین محل تجمعات مردم در جوامع شرقی، قهوه‌خانه‌ها محسوب می‌شوند. این مکان‌های عمومی دارای دو کارکرد اصلی و فرعی هستند. کارکرد اصلی آن‌ها عرضه چای و قلیان و قهوه است، اما کارکردهای فرعی در طی زمان متنوع بوده است. زمانی نقالی و پرده‌خوانی در قهوه‌خانه‌ها برقرار بوده و در زمان‌های بعد نصب گرامافون، رادیو، تلویزیون و اخیراً وایفای باعث جلب و جذب مشتری در قهوه‌خانه‌ها می‌گردد. پرسش پژوهش حاضر عبارت است از این‌که در دهه ۱۳۲۰ش، کارکردهای فرعی قهوه‌خانه‌های اصفهان چه بوده است؟ یعنی صاحبان قهوه‌خانه از چه روش‌هایی به جلب و جذب مشتری می‌پرداختند؟ پژوهش حاضر با مراجعه به اسناد دریافتی از سازمان اسناد ملی و به روش توصیفی-تحلیلی، بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای، چند کارکرد فرعی از جمله اجرای تئاتر، عملیات آکروبات ورزشی، عرضه و استعمال تریاک، فروش مشروبات الکلی و درنهایت فعالیت‌های حزبی و صنفی را به عنوان کارکردهای فرعی یا غیرمعمول قهوه‌خانه‌ها معرفی می‌نماید. با نگاهی به پژوهش‌هایی که در دهه اخیر درباره قهوه‌خانه‌ها صورت گرفته است، این مقاله امیدوار است با اسناد تازه‌یابی که در اختیار می‌گذارد بتواند صفحه دیگری به تاریخ قهوه‌خانه‌ها بیفزاید.

واژگان کلیدی: اصفهان، قهوه‌خانه، تئاتر، مدیریت شهری

۱. دکترای تاریخ گرایش محلی، دانشگاه اصفهان، ایران (m1350323@gmail.com)

درآمد

تصور امروز ما از کارکرد قهوه‌خانه با آنچه بیشتر در این مکان‌ها در جریان بود، بسیار متفاوت است. امروز ما قهوه‌خانه را محلی برای صرف چای و قلیان و شاید قهوه می‌دانیم. محیطی که احتمالاً یک موسیقی نیز برای سرگرمی پخش می‌شود. حتی خوراکی‌های محدودی عرضه می‌شود، اما در گذشته‌های نه‌چندان دور، قهوه‌خانه‌ها کارکردهای دیگری نیز داشتند. در این مقاله از میان مجموعه اسنادی که از سازمان اسناد ملی به دست آمد، درمی‌یابیم که در قهوه‌خانه‌ها علاوه بر صرف چای و غذا، چه برنامه‌هایی دیگری اجرا می‌شده است و در واقع، قهوه‌خانه‌ها چه کارکردهای دیگری داشته‌اند. همین کارکردها موجب نظارت و حساسیت فوق‌العاده حکومت‌ها بر این مراکز هم بود. (صدیقی، ۱۳۹۴: ۳۰۲) اسناد استفاده‌شده در پژوهش حاضر همگی مربوط به دهه ۱۳۲۰ش در اصفهان هستند. در رابطه با قهوه‌خانه‌هایی که در میدان نقش جهان و یا بافت مرکزی شهر قرار داشتند، آن‌ها در کنار صرف چای و غذا، به اجرای نمایش، آکروبات و مهارت‌های ورزشی، استعمال تریاک، فروش مشروبات الکلی، انجام اعمال خلاف، فعالیت‌های حزبی و صنفی می‌پرداختند. در ادامه با مراجعه به اسناد و مطبوعات، به تبیین موارد پیش‌گفته پرداخته می‌شود. در این مقاله تلاش می‌شود جنبه‌های تازه‌ای از حیات اجتماعی قهوه‌خانه‌ها موردتوجه قرار گیرد.

در ابتدا باید یادآور شد که از نظر جعفر شهری: «تشریفات و تشکیلات قهوه‌خانه و قهوه‌خانه‌داری، از اصفهان که از پدیده‌های دوران صفویه بود، به تهران رسیده بود.» (شهری، ۱۳۶۹: ۵۰۶/۴) این محقق تاریخ اجتماعی در توصیف قهوه‌خانه و فعالیت‌های درون آن باور دارد: «قهوه‌خانه یکی از تفریحگاه‌ها یا تنبل‌خانه‌های مردم تهران بود. یعنی محلی که همه گروه افراد را به طرف خود کشیده، برای هر دسته‌ای تفریحات و وسایل سرگرمی مخصوصشان را فراهم می‌نمود.» (همان: ۴۹۲) او درباره علت لزوم ایجاد چنین کارکردهای فرعی برای قهوه‌خانه‌ها معتقد بود: «در قهوه‌خانه علاوه بر وسایل چای و دود و دم، اسباب زیر مانند نقالی و تعزیه‌خوانی و نوحه‌خوانی و روضه‌خوانی از دیگر مشغولیات مردم آن بود [...] از آنجاکه فایده قهوه‌خانه به شلوغی و اجتماع دائمی آن بود، لازم داشت برای تمام اوقات روز و شب مشتریان، لوازم سرگرمی فراهم بکنند.» (همان: ۴۹۳) این دیگر به سلیقه و خلاقیت صاحبان قهوه‌خانه و نیز مذاق مشتریان وابسته بود که آیا از کدام تفریح و سرگرمی بیشتر استقبال می‌کردند. آیا اجرای تئاتر آن‌ها را بیشتر جذب می‌کرد یا آکروبات ورزشی یا استعمال مواد مخدر.

در مقاله حاضر با مراجعه به اسناد، جستجو خواهد شد که در قهوه‌خانه‌های اصفهان دهه ۱۳۲۰ش، چه لوازم سرگرم‌کننده‌ای برقرار بوده و چه کارکردهای فرعی دیگری بر دوش قهوه‌خانه‌ها قرار داده می‌شد. گفتنی است جستجو و یافتن این کارکردها در میان اسناد باز یافته از سازمان اسناد، پژوهشی زمان‌بر و مستلزم حوصله زیاد بود، اما بدین خاطر که قهوه‌خانه‌ها یکی از مراکز مهم تجمع مردم و تأثیرگذار بر حیات اجتماعی شهرها بودند،

۱. به واسطه نظام‌نامه‌ای که در ۱۳۱۰ش توسط بلدیة اصفهان برای قهوه‌خانه‌ها منتشر گردید، به صراحت اعلام شده است که «علاوه بر فروش چای و قلیان می‌تواند اشیاء ذیل را به فروش برسانند: کاکائو، شیر، شربت، بستنی، نان‌های شیرینی، فالوده، لیموناد، سیفون، پنیر، خامه، سرشیر، عسل، سیگار، قلیان، چیق، مطبوخ لیمو، دارچین.» (رجائی، ۱۴۰۰: ۳۳۱) این موارد نشان می‌دهد گستره مواد خوراکی عرضه‌شده در قهوه‌خانه‌ها چه بوده‌اند.

نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. از طرف دیگر «تاریخ تفریح و سرگرمی» در مطالعات تاریخی جدید، جایگاه ممتازی یافته است. (رک: سلطان‌زاده، ۱۳۹۷؛ رودی‌متی، ۱۴۰۰)

روش پژوهش مقاله حاضر بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و عمدتاً بر اساس اسناد دریافتی از سازمان اسناد ملی دریافت است

پیشینه پژوهش

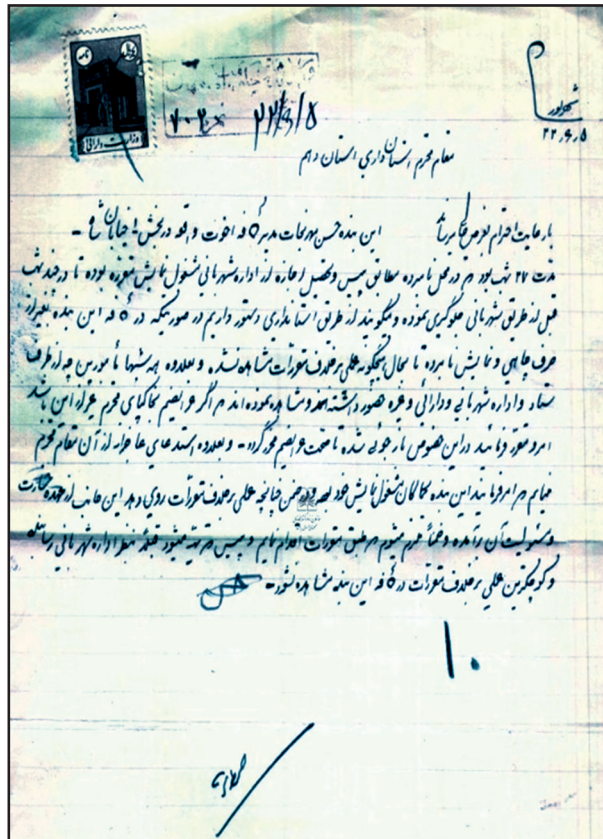
درباره قهوه‌خانه و قهوه‌خانه‌داری مقالات و حتی کتاب‌های زیادی تاکنون انتشار یافته است. می‌توان گفت مستندتر از همه کتاب مریم صدیقی با عنوان *قهوه‌خانه در آیین اسناد* است. این اثر با انعکاس و بازنویسی تعداد زیادی سند، برگرفته از سازمان اسناد ملی، درصدد است تا آنچه را که تاکنون در باره این اماکن ناگفته مانده، روشن سازد. مقاله حاضر می‌تواند مکمل کتاب مذکور محسوب شود. کتاب *قهوه و قهوه‌خانه در ایران و شصت گفتار دیگر* از سید علی آل‌داوود در فصولی که مربوط به قهوه‌خانه است، تلاش دارد نکات تازه‌ای از موضوع قهوه‌خانه را بازگو کند. این اثر بیشتر به دوره صفوی و ورود قهوه‌خانه به ایران تمرکز دارد و به جایگاه اجتماعی قهوه‌خانه‌ها در دوره معاصر توجه چندانی ندارد. جعفر شهری در جلد چهارم کتاب *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم* آنجا که اصناف شهر را بر می‌شمارد، حدود سی صفحه نیز به کافه پرداخته است. نگاه او از زاویه روایت شخصی است، اما بسیاری از نکاتی را که در این مقاله با اسناد ارائه داده‌ایم، او دیده و بازگو کرده است. عبدال مهدی رجائی در مقاله «کافه‌های دور شهر؛ چیستی و چالش‌ها با مدیریت شهری» با مراجعه به مجموعه اسنادی نشان داده است چگونه به خاطر اعمال خلافی که کافه‌های اطراف شهر اصفهان در دهه بیست انجام می‌دادند، تقابلی میان نیروی انتظامی و این کافه‌ها ایجاد شده بود. مقاله مذکور بر کافه‌های اطراف شهر و مقاله حاضر به کافه‌های درون شهر متمرکز است.

اجرای تئاتر

در دهه ۱۳۲۰ش، تئاتر اصفهان جوانه زد و تا چند دهه بعد به اوج شکوفایی خود رسید. این تئاتر با رهبری ناصر فرهمند و با برند «تماشاخانه اصفهان» در محل دروازه دولت حرکت خود را آغاز کرد (رجائی، ۱۴۰۰: ۳۳۳)، اما چنانکه از اسناد برمی‌آید، پیش از تأسیس تماشاخانه مذکور، در بعضی قهوه‌خانه‌های اصفهان تئاتر اجرا می‌شده است. شاید این امر نشان‌دهنده روحیه تئاتر دوستی مردم اصفهان باشد که تئاتر را از قهوه‌خانه‌ها آغاز کردند، اما در آغاز دهه ۱۳۲۰ش، این فرایند (اجرای تئاتر در قهوه‌خانه‌ها)، مورد تأیید و رضایت مقامات شهر از جمله استاندار نبود. بنابراین در ۱۳۲۲ش ممانعت و ممنوعیت آن از سوی استاندار اعلام شد و به ناچار شهربانی ممنوعیت اجرای تئاتر در قهوه‌خانه را اعلام و اجرا کرد.

از جمله کافه‌هایی که اجرای تئاتر در آن ممنوع شد، کافه اخوت در خیابان شاه (طالقانی فعلی) بود. حسن مهرنجات، مالک کافه، در ۱۳۲۲/۶/۵ نامه‌ای به استاندار اصفهان نوشت و ضمن شکایت، در آن اطلاعاتی

از آنچه در قهوه‌خانه‌ها می‌گذشت، اقداماتی که می‌کردند ارائه داد. او به استاندار نوشت «مدت ۲۷ شب بود که در محل نامبرده مطابق پی‌اس و تحصیل اجازه از اداره شهربانی، مشغول نمایش مقرره بوده و تا در چند شب قبل، از طریق شهربانی جلوگیری نموده و می‌گویند از طریق استانداری دستور داریم. در صورتی که در کافه این بنده بغیر از صرف چاهی و نمایش نامبرده، تا بحال هیچ‌گونه عملی برخلاف مقررات مشاهده نشده» (ساکما، ۲۹۱/۱۶۴۰) (تصویر ۱)

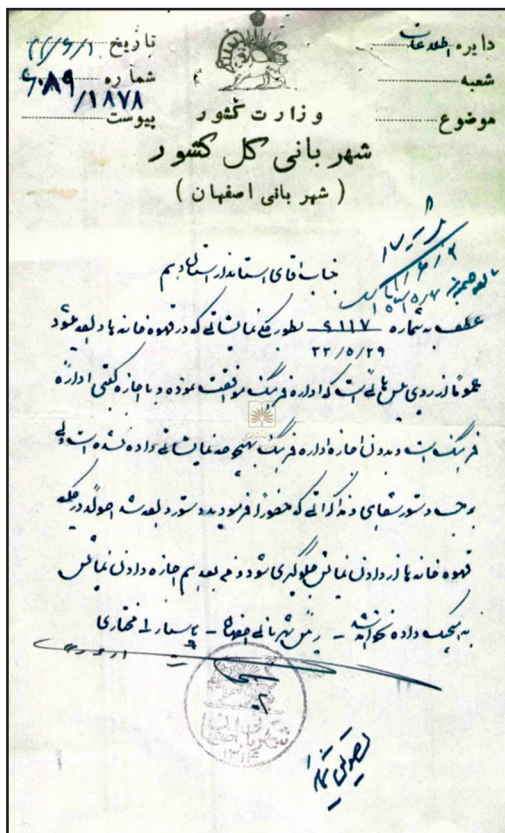


تصویر ۱: نامه مدیر کافه اخوت به استاندار اصفهان دربارهٔ ممانعت از اجرای تئاتر در محل کافه، ۱۳۲۲ش

استاندار اصفهان از پاسیاری یکم مختاری، رئیس شهربانی اصفهان، توضیح خواست. جالب آنکه خودش دستور ممنوعیت اجرای نمایش در قهوه‌خانه‌ها را داده بود. در اصل شهربانی اوامر او را اجرا کرده بود. مختاری در جواب استاندار در ۱۳۲۲/۶/۵ نوشت: «به‌طورکلی نمایشاتی که در قهوه‌خانه‌ها داده می‌شود عموماً از روی پی‌اس‌هایی است که اداره فرهنگ موافقت نموده و با اجازه کتبی اداره فرهنگ است و بدون اجازه اداره فرهنگ به هیچ‌وجه نمایشاتی داده نشده است. ولی برحسب دستور شفاهی و مذاکراتی که حضوراً فرمودید، دستور داده شد اصولاً در کلیه قهوه‌خانه‌ها از دادن نمایش جلوگیری شود و من بعد هم اجازه دادن نمایش به هیچ‌یک داده نخواهد شد.» (ساکما، ۲۹۱/۱۶۴۰) به نظر می‌آید رئیس شهربانی مخالفتی با اجرای تئاترهای دارای مجوز در قهوه‌خانه‌ها نداشته، اما به خاطر دستور استاندار مانع اجرای آن شده بود.

سال سوم، شماره یک، دوره جدید، شماره پستی پنج، بهار و تابستان ۱۴۰۳





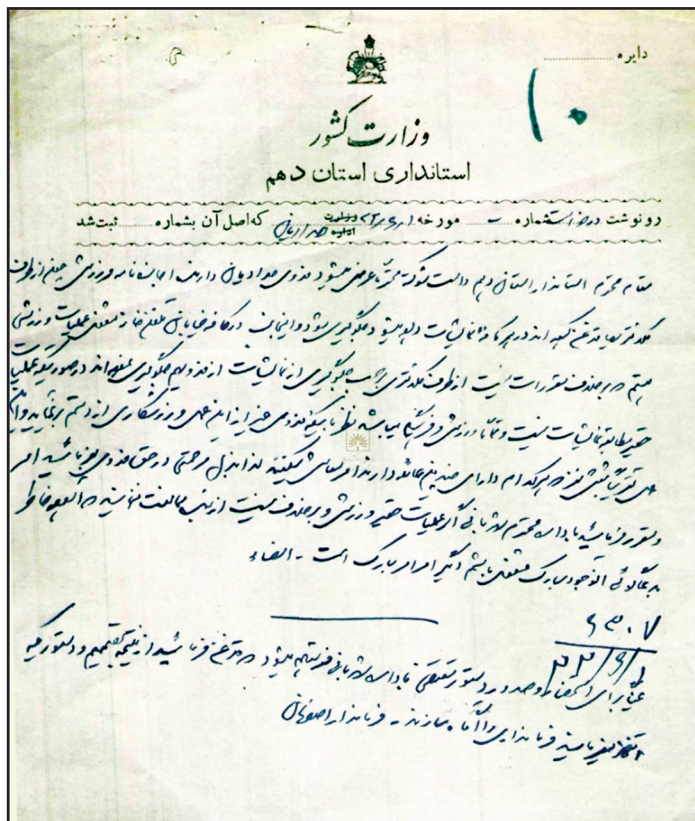
تصویر ۲: نامه رئیس شهربانی به استاندار درباره دستور ممانعت از اجرای تئاتر در قهوه‌خانه‌ها، ۱۳۲۲ش

هدف واقعی استاندار این بود که در پی فضای باز سیاسی که با رفتن رضاشاه در کشور ایجاد شد و متعاقباً فعال شدن نیروهای سیاسی و اجتماعی (از جمله کارگران اصفهان) پیامد آن بود، تحت کنترل درآید. تأسیس کانون‌های سیاسی - اجتماعی مانند حزب توده نیز در این زمان بر نگرانی مقامات می‌افزود. بنابراین، استاندار به دستور خویش یا به امر مقامات تهران این‌گونه تجمعات و تظاهرات را ممنوع نمود و خیال خود را راحت ساخت که البته چنین نشد.

انجام اعمال آکروبات و ورزشی

عملیات آکروبات و انجام اعمالی که برای بیننده جالب توجه باشد، در قدیم بسیار رایج بود. اعمالی که مارگیران و پهلوانان قدیم انجام می‌دادند، مانند پاره کردن زنجیر، پاره کردن سینی، ممانعت از حرکت موتورسیکلت با دندان و غیره، همگی جلوه‌هایی از این حرکات بودند. این نوع حرکات در سال‌هایی به قهوه‌خانه راه یافته و در آنجا اجرا می‌شد. بی‌گمان صاحب قهوه‌خانه برای جلب مشتری بیشتر اجازه می‌داد این حرکات آکروباتی در فضای قهوه‌خانه اجرا شوند. از یاد نبریم اغلب قهوه‌خانه‌های بزرگ یک قسمت فضای سبز هم در کنار یا پشت سالن اصلی داشتند که گنجایش اجرای این نوع حرکات را داشت.

ابوالقاسم نایب پور، مدیر کافه یخچال که مشمول حکم بالا شده و از اجرای نمایش در کافه اش منع شده بود، در ۱۳۲۲/۶/۳ به فرمانداری وقت مراجعه کرده و در حضور او ملتزم شد که نمایشی در کار نباشد، اما حرکات ورزشی و آکروبات مانعی ندارد: «در پیشگاه معظم استاندار اصفهان ملتزم و متعهد می‌گردم اینجانب ابوالقاسم نایب پور مدیر کافه یخچال که چون در کافه اینجانب نمایشات کمدی و غیره به کلی داده نمی‌شود و فقط یکی دو ساعت عملیات ورزشی و آکروبات هوایی و زمینی به وسیله ورزشکاران تهران که دارای پروانه رسمی از وزارت فرهنگ و اداره کل شهربانی می‌باشند، داده می‌شود. که باعث تشویق جوانان کشور است چنانچه نزاع یا عملی برخلاف مقررات و به ضرر جامعه اتفاق افتاد، از عهده مجازات آن برآیم.» (ساکما، ۲۹۱/۱۶۴۰) احتمالاً فرماندار برای جلوگیری از نارضایتی مردم، اجرای حرکات ورزشی را با شرط تعهدنامه آزاد کرد، چراکه در زیر تعهدنامه بالا نوشت: «عیناً برای استحضار و اقدام به اداره شهربانی اصفهان فرستاده می‌شود که قدغن فرمایید تعقیب اظهارات شاکی رسیدگی، در حدود مقررات اوامر مقتضی را صادر فرمایید» (همان)



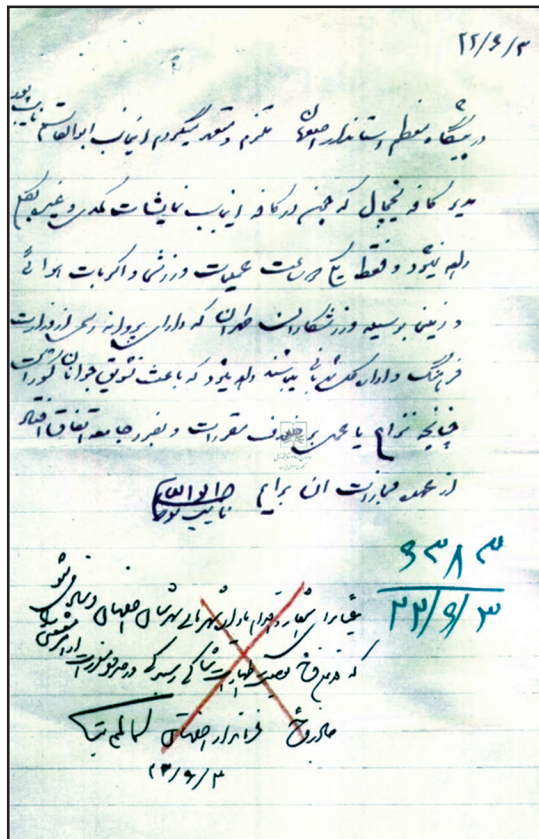
تصویر ۳: تعهدنامه مدیر کافه یخچال درباره انجام حرکات آکروبات و ورزشی در کافه، ۱۳۲۲ش

چند روز پیشتر در ۱۳۲۲/۶/۱ شخصی به نام حدادیان که خود حرکات ورزشی انجام می‌داد، به استاندار اصفهان نوشت: «چون از طرف کلانتری‌ها قدغن کرده‌اند در هر کافه‌ای نمایشات داده می‌شود، جلوگیری شود و اینجانب در کافه تلغن خانه مشغول عملیات ورزشی هستم که برخلاف مقررات نیست. از طرف کلانتری برحسب

سال سوم، شماره یک، دوره جدید، شماره پستی پنج، بهار و تابستان ۱۳۴۰



جلوگیری از نمایشات از فدوی هم جلوگیری نموده‌اند. در صورتی که عملیات حقیر مطابقت با نمایشات نیست و تماماً ورزشی و فرهنگی می‌باشد. نظر به این که فدوی غیر از این عمل ورزشکاری، از دستم بر نمی‌آید و از این عمل تقریباً شش نفر که هر کدام دارای چندین عائله دارند امرار معاش می‌کنند، لذا بذل مرحمتی در حق فدوی بفرمایید امر و دستور فرمایید به اداره محترم شهربانی که اگر عملیات حقیر ورزشی و برخلاف نیست، از بنده ممانعت ننمایند.» (ساکما، ۲۹۱/۱۶۴۰) فرماندار این درخواست را هم عیناً به شهربانی منعکس کرد. از این که ممانعت‌ها برداشته شد یا ادامه یافت اطلاعی در دست نیست، اما تولید این اسناد در آن زمان، نشان می‌دهد که بخشی از فعالیت قهوه‌خانه‌ها به عملیات ورزشی و آکروبات بازی معطوف بود.



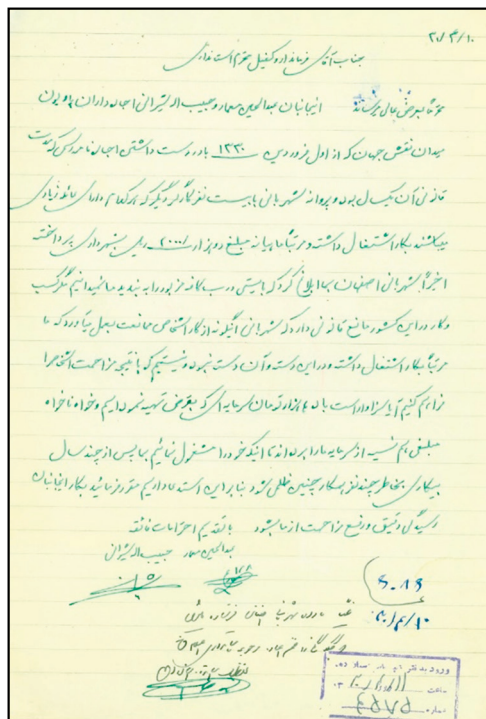
تصویر ۴: نامه یک آکروبات باز به استاندار: مانع کار ما در قهوه خانه ها نشوید، ۱۳۲۲ش

فعالیت سیاسی و حزبی

با رفتن رضاشاه احزاب و جریانات مختلف سیاسی در اصفهان شروع به فعالیت کردند. هدف عمده همگی آنان جذب جوانان کارگر شهری بود. (طاهر احمدی، ۱۳۷۹: ۵۲) پاتوق اصلی این جوانان هم قهوه‌خانه‌ها بود. احزابی مانند حزب ایران، حزب آزادی، حزب دموکرات، حزب توده و نهضت ملی در این زمان به دنبال عضوگیری در میان جوانان اصفهانی بودند. (مسعودنیا، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۱۲۵) در این میان حزب توده به دلیل

شعارهای تساوی خواهانه، جذابیت بیشتری برای جوانان و کارگران داشت. این فعالیت‌ها از آغاز دهه ۱۳۲۰ ش تا زمان کودتای مرداد ۱۳۳۲ ش، به طور منظم تندتر و گرم‌تر می‌شد.

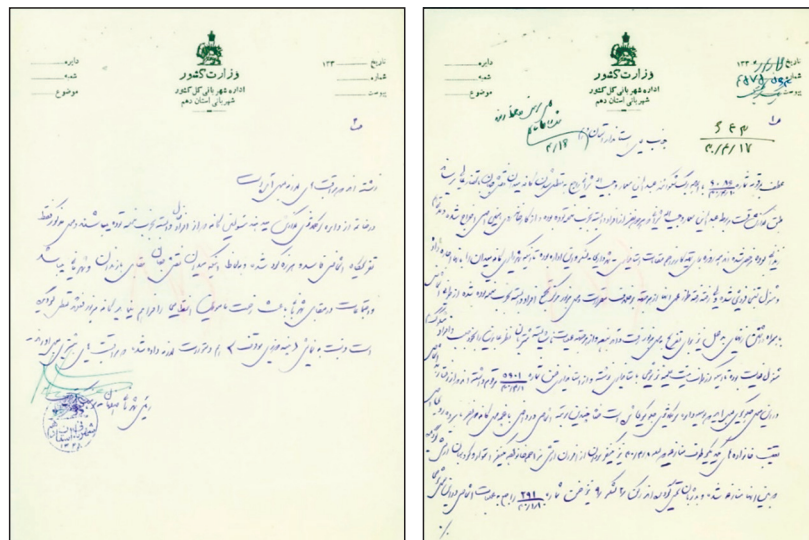
دو نفر از طرفداران حزب توده در دهه ۱۳۳۰ ش، پس از اخراج از کارخانه، اقدام به تأسیس یک قهوه‌خانه در میدان نقش جهان کردند، اما گویا این قهوه‌خانه در اصل یک محفل یا پاتوق برای طرفداران حزب توده بود. شهربانی اصفهان قهوه‌خانه مذکور را به دلایل متعدد تعطیل کرد. این حقیقت که فعالان کارگری از کافه‌ها و قهوه‌خانه‌ها برای تجمعات صنفی و حزبی خود استفاده می‌کردند در خاطرات شمس صدری (یکی از رهبران کارگران اصفهان) نیز مشاهده می‌شود. در این کتاب می‌خوانیم: «در همین ساعت رفقا را برای آشامیدن چای به مهمانخانه سعدی دعوت نمودم [...] به دور میزی گرد آمدیم. پس از صرف چای و شیرینی خطاب به رفقا گفتم [...]». (صدری، ۱۳۳۰: ۹۰) صاحبان قهوه‌خانه نقش جهان که عبدالحسین معمار و حبیب‌الله شیرانی نام داشتند، در ۱۳۳۰/۴/۱۰ طی نامه‌ای به فرماندار اصفهان به او شکایت بردند که «اول فروردین ۱۳۳۰ با در دست داشتن اجاره‌نامه رسمی که مدت قانونی آن یک سال بوده و پروانه شهربانی، با بیست نفر کارگر دیگر که هر کدام دارای عائله زیادی می‌باشند، به کار اشتغال داشته و مرتباً ماهیانه مبلغ دو هزار ریال به شهرداری پرداخته، اخیراً شهربانی اصفهان به ما ابلاغ کرد که بایستی درب کافه مزبور را ببندید! ما نمی‌دانیم مگر کسب و کار در این کشور مانع قانونی دارد که شهربانی این‌گونه از کار اشخاص ممانعت به عمل می‌آورد.» (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۴۳۲۶)



تصویر ۵: شکایت دو نفر توده‌ای به فرماندار در اعتراض به بستن قهوه‌خانه، ۱۳۳۰ ش

۱. برای دریافت وضعیت سیاسی اصفهان بعد از شهریور ۱۳۲۰ ش و نیروهای سیاسی فعال در این شهر، ر.ک: (مسعودنیا، ۱۳۸۶)

طبق ساختار اداری، استاندار نامه شکوائیه را به شهربانی ارجاع داد و از شهربانی به دلیل بستن قهوه‌خانه توضیح خواست. یک هفته بعد سرهنگ قریب، رئیس شهربانی اصفهان در ۱۳۳۰/۴/۱۶ به استاندار نوشت: «عبدالحسین معمار و حبیب‌الله شیرانی که هر دو نفر از افراد وابسته به حزب منحل توده بوده و از کارخانه، روی همین اصل اخراج شده و مدتی هم زندانی بوده، مرخص شده‌اند، همه‌روزه برای تهیه کار مزاحم مقامات استانداری، شهرداری، لشکر و این اداره بوده تا این‌که شهرداری کافه میدان را به آن‌ها اجاره داده و مشغول بستنی‌فروشی شده، ولی رفته‌رفته طرز عمل آن‌ها از هر جهت برخلاف مقررات و محل مزبور مرکز تجمع افراد وابسته به حزب منحل توده شده و از طرفی اشخاص با همراه داشتن زن‌های بدعمل نیز برای تفریح به محل مزبور رفت و آمد نموده و از هر جهت عملیات ناشایسته مشتریان، نظر عابری را به خود جلب و افراد مشکوک هم مشغول فعالیت بوده تا این‌که از طرف هیأت علمیه نیز شرحی به استانداری نوشته و از استانداری ضمن شماره - مرقوم داشته‌اند که از رفتار بد اشخاص در این محل جلوگیری به عمل آید و به وسیله دایره سرکلانتری جلوگیری شده است [...] در خاتمه از دایره سرکلانتری گزارش می‌دهند مسئولین کافه که از افراد فعال وابسته به حزب توده می‌باشند و محل مذکور فقط تفریحگاه اشخاص فاسد و هرزه‌گرد شده و به لحاظ این‌که میدان نقش جهان مقابل با زندان و شهربانی می‌باشد و در اجتماعات مقابل شهربانی باعث زحمت مأمورین انتظامی را فراهم می‌نماید، کافه مزبور فعلاً تعطیل گردیده است.» (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۴۳۲۶) مبنی بر گزارش شهربانی، دلایل بستن قهوه‌خانه از نظر شهربانی متعدد بود، اما این تعدد فعالیت‌های جنبی، اطلاعات ارزشمندی درباره دامنه فعالیت قهوه‌خانه‌ها در آن سال‌ها ارائه می‌دهد.



تصویر ۶-۷: نامه شهربانی اصفهان به استاندار در بیان دلایل بستن قهوه‌خانه نقش جهان، ۱۳۳۰ش

۱. زندان اصفهان تا دهه ۱۳۵۰ش در محل عمارت توحیدخانه بود. این بنا که دقیقاً در پشت میدان نقش جهان قرار دارد، به دلیل اشکالات زیادی که برای موضوع گردشگری ایجاد کرده بود، سرانجام به محل جدید (زندان دستگرد) منتقل شد. درب زندان هم از داخل میدان باز می‌شد. در کنار آن، در گوشه میدان نقش جهان، ساختمان شهربانی اصفهان قرار داشت. (ساکما، ۲۵۰/۴۹۰۳)

استعمال تریاک

استعمال مواد مخدر خصوصاً تریاک در قهوه‌خانه‌های ایران سابقه‌ای کهن دارد. مبارزه مدیریت شهری با این پدیده شوم نیز گسترده است. یک مورد در زمان رضاشاه (۱۳۱۴ش) استعمال وافور در قهوه‌خانه‌های شهر اصفهان ممنوع گردید. متن خبر: «از اواخر هفته گذشته از طرف دژبانی تیپ محترم اصفهان به وسیله مأمورین دژبانی کلیه چوب‌های وافوری که در قهوه‌خانه‌های شهر موجود بوده، جمع‌آوری گردیده و از قهوه‌چی‌ها التزام گرفته شده که من بعد در قهوه‌خانه‌های خود برای اشخاص وافوری تهیه وسایل تریاک‌کشی نکنند.» (اخگر، ۱۳۱۴: ۴/۱۰۵۴)

گفتنی است در دهه ۱۳۲۰ش به سبب درهم‌ریختگی شیرازه امور کشور، استعمال تریاک در میان جامعه ایرانی شیوع فوق‌العاده‌ای یافت. قهوه‌خانه‌ها نیز به عنوان تنها مکان تجمع در ایران، به محلی برای ارائه خدماتی در این حوزه به مراجعین تبدیل شدند. روزنامه محلی اصفهان در ۱۳۲۳ش چنین نوشته است: «اگر در قهوه‌خانه‌ها، وسیله استعمال تریاک در نهایت آزادی و آسانی فراهم نباشد، بسیاری از جوان‌ها و تازه به دوران رسیده‌ها، تفریح خود را، پس از استعمال مشروبات الکلی، کشیدن تریاک قرار نمی‌دادند و در نتیجه هر روز به عده مبتلایان به افیون افزوده نمی‌شد.» بر این اساس روزنامه از اولیای امور می‌خواهد «وسایل تریاک را در کافه‌ها و اماکن عمومی بردارند.» (اصفهان، ۱۳۲۳: ۱/۱۹۴) دو ماه بعد خبری در روزنامه مذکور انتشار یافت که نشان می‌داد «انجمن شهرداری» دستور به جمع‌آوری وسایل استعمال تریاک در اماکن عمومی داده است: «برحسب تصویب انجمن شهرداری، مقرر گردید که از استعمال تریاک در کافه‌ها و به‌طور کلی در کلیه مراکز عمومی جلوگیری به عمل آید.» (همان: ۱/۱۶۲) اوضاع چنان شد که در دهه ۱۳۲۰ش، کارکرد مهم قهوه‌خانه، محلی برای کشیدن تریاک گردیده بود.^۱

در ۱۳۲۲/۵/۲ پاسپار مختاری به رئیس دارایی اصفهان نامه‌ای نوشت که دو بند داشت: بند اول آن به دکان‌های مشروب‌فروشی مربوط می‌شد که باید محل کسب خود را از کوچه‌پس‌کوچه‌ها به سر خیابان‌ها بیاورند تا بیشتر در دیدرس مأموران انتظامی باشند و دیگر راجع به قهوه‌خانه‌ها بود که تأکید می‌کرد استعمال تریاک در قهوه‌خانه ممنوع است. رئیس شهربانی به رئیس دارایی اطلاع داد: «اخیراً از شهربانی کل کشور دستوری رسیده است که دکاکین نوشابه‌فروشی واقع در کوچه و پس‌کوچه‌ها که خارج از نظر مأمورین است، به کلی مسدود و به صاحبان آن‌ها اخطار شود محل پیشه خود را به نقاطی که تحت نظر پاسبانان پاسگاه‌ها می‌باشد، انتقال داده و ملتزم شوند مطلقاً پیاله‌فروشی نکنند و نوشابه سربسته بفروشند و همچنین قهوه‌چی‌ها هم ملتزم گردند که در قهوه‌خانه‌ها مبادرت به کشیدن تریاک ننمایند. متخلفین مطابق مقررات تعقیب و پروانه آنان بایگانی شود.» (ساکما، ۲۹۱/۱۶۴۰) ارجاع این نامه به اداره دارایی به احتمال زیاد به خاطر مالیات مخصوصی بود که این اماکن باید به اداره دارایی پرداخت می‌کردند. مبارزه دولت‌ها برای پاک کردن قهوه‌خانه‌ها و دیگر مکان‌های عمومی از تریاک و دیگر مواد مخدر، جریانی است که تا به روزگار ما هم ادامه دارد.

۱. درباره ورود تریاک در قهوه‌خانه‌ها در ایران، رک: رجائی، ۱۴۰۱: ۲۰۱.

فروش مشروبات الکلی

فروش و استعمال مشروبات الکلی یکی دیگر از اقدامات غیرقانونی بعضی کافه‌های شهر بود. به‌هرحال کافه‌دار به دنبال فروش و کسب سود است. این نوع کافه‌ها بیشتر به اطراف و حاشیه شهر رفته بودند تا در محیط صحرائی و بدون مخالفت مردم محلات به کار خود مشغول باشند. در ۱۳۲۹/۵/۲۹ فرمانده هنگ ژاندارمری اصفهان به استاندار نوشت: «چندین کافه و قهوه‌خانه‌ای که در خیابان دور شهر و دالان بهشت و گندمی می‌باشد و پیشینه آن در استناداری موجود است، در این قبیل اماکن مشروبات الکلی به فروش رسانیده و یا در همان محل و سبزه‌زارهای اطراف آن مصرف می‌گردد [...] غالب حوادث از قبیل شرارت و چاقوکشی و غیره، ناشی از وجود این‌گونه اماکن و مخصوصاً فروش مشروبات الکلی می‌باشد» (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۴۰۳۷) به‌روشنی معلوم است که کافه‌های مذکور محلی برای عرضه مشروبات الکلی بوده‌اند.

کارکردهای صنفی

قهوه‌خانه‌ها محل تجمع اصناف و صنعتگران مختلف شهری بود. بیجا نیست اگر مناسبات شغلی و روابط صنفی در قهوه‌خانه‌ها نیز رسوخ یافته و محیط قهوه‌خانه محلی برای انعکاس موضوعات صنفی و شغلی شود. به گفته جعفر شهری: «بعد از بیکاره‌ها و وقت تلف کن‌ها، کارگران ساختمانی مانند بتا و نقاش و آهن‌کوب و توفال‌کوب و خریاکوب و شاطر و نان‌گیر و ترازودار و مقنّی و غیر این بود که پاتوقشان در قهوه‌خانه بود و خواهند به سراغشان به قهوه‌خانه آمده، قهوه‌خانه مرکز و دفتر کارشان حساب می‌شد.» (شهری، ۱۳۶۹: ۵۰۳/۴) بنابراین، قهوه‌خانه به‌نوعی یک مرکز کاریابی هم محسوب می‌شد. اما این مرکز کاریابی ایرادهایی هم داشت. روزنامه عرفان در ۱۳۱۳ش یادداشتی به چاپ رساند که نشان می‌داد گاهی شخصیت و شأن صنفی افراد در قهوه‌خانه به‌صورت مصنوعی هم بالا و پایین می‌شد! در این مطلب آمده است: «هر دهاتی که در دهات و بلوکات بیکار است یا بتایی که به علت ضعف قوای باصره و غیره، از کار می‌افتد و کسی کار عمده‌ای یا بتایی به آن‌ها مراجعه نمی‌نماید، شب‌ها در قهوه‌خانه‌های اصفهان همدیگر را پیدا نموده و خود را معمارباشی معرفی و چون امتحان و سؤال و پرسش هم از طرف کسی نمی‌شود، در اثر چندین مرتبه صدا زدن شاگرد قهوه‌چی به‌عنوان معمارباشی کافی برای تصدیق و دیپلم آن‌ها خواهد بود. [...] کسی نیست سؤال نماید آقای معمارباشی شما از کجا معمار شدید و هنر شما چیست و کی به شما تصدیق معماری داده و چنان چه یک نفر معمار صحیح و یا استاد بنای ماهر هم پیدا شود، شب در قهوه‌خانه‌ها جمع و برعلیه او تحریکات و کاغذپرانی‌هایی می‌نمایند.» (عرفان، ۱۳۱۳: ۴/۱۰۴۶)

نتیجه

قهوه‌خانه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محل‌های اجتماع مردم در جامعه ایرانی و حتی شرقی، کارکردهای مختلفی داشته‌اند. شاید مهم‌ترین کارکرد آن صرف چای و بعضی اغذیه محدود بود، اما به‌مرور و در زمان‌های

مختلف این قهوه‌خانه‌ها کارکردهای دیگری پیدا کردند. هر کاری که بتواند جمعیتی را به خود جذب کرده و مشغول نماید، برای صاحب قهوه‌خانه یک تبلیغات خوب محسوب می‌شد. به همین دلیل نقلی، شاهنامه‌خوانی، داستان‌سرایی، شعبده‌بازی، اجرای موسیقی و غیره، جزو برنامه‌های قهوه‌خانه‌ها شد. با گذشت زمان ابزارهای ارتباطی مدرن‌تر مانند رادیو و تلویزیون، پس از خانه ثروتمندان، به قهوه‌خانه‌ها راه یافتند. در این پژوهش با مراجعه به اسناد و روزنامه‌ها نشان داده شد که در شهر اصفهان این قهوه‌خانه‌ها واجد کارکردهای دیگری هم بودند. اجرای نمایش و تئاتر، انجام اعمال آکروباتی، استعمال مواد مخدر، فروش مشروبات الکلی، انجام فعالیت‌های حزبی و سیاسی و کارکردهای صنفی از دیگر کارکردهای قهوه‌خانه در اصفهان بودند. بی‌گمان اقدامات مثبت یا منفی دیگری هم در زیرپوست شهر در جریان بود که بستر آن قهوه‌خانه‌ها محسوب می‌شدند. پژوهشگران بعدی باید با کنکاش بیشتر به ترسیم و بازگویی آن‌ها اقدام نمایند.

منابع

۱. سلطان‌زاده، حامد. (۱۳۹۷). تاریخ تفریح در شهر تهران؛ در دوران قاجار و پهلوی. تهران: نگارستان اندیشه.
۲. شهری، جعفر. (۱۳۶۹). تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم. تهران: رسا.
۳. صدیقی، شمس. (۱۳۳۰). در راه وظیفه. اصفهان: خدایی.
۴. صدیقی، مریم. (۱۳۹۴). قهوه‌خانه در آینه اسناد. تهران: علم.
۵. طاهر احمدی، محمود. (۱۳۷۹). اسنادی از اتحادیه‌های کارگری در ایران. تهران: سازمان اسناد ملی.
۶. رجائی، عبدالمهدی. (۱۴۰۰). یکصد و یک نکته در گردشگری اصفهان. اصفهان: شهرداری اصفهان.
۷. رجائی، عبدالمهدی. (۱۴۰۱). «کافه‌های دور شهر؛ چیستی و چالش‌ها با مدیریت شهری، مطالعه موردی: اصفهان در دهه ۱۳۲۰ش» پژوهشنامه مطالعات آرشیوی و اسنادی. (شماره ۲)، ۱۹۶-۲۲۱.
۸. متی، رودی. (۱۴۰۰). تفریحات ایرانیان، مسکرات و مخدرات از صفویه تا قاجار ترجمه مانی صالحی علامه. تهران: نامک.
۹. مسعودنیا، حسین. (۱۳۸۶). «علل پیدایش و تحلیل کارکرد احزاب سیاسی در ایران ۱۳۳۲-۱۳۲۰ش با تکیه بر مورد اصفهان». پایان‌نامه دکترا. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

نشریات

اصفهان. (۱۳۲۳). شماره ۱۶۲، ۱۹۴.

عرفان. (۱۳۱۳). شماره ۱۰۴۶.

اسناد

ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)

۲۵۰/۴۹۰۳، ۹۷/۲۹۳/۴۳۲۶، ۹۷/۲۹۳/۴۰۳۷، ۲۹۱/۱۶۴۰